

از : خسرو

مزدك صلحدوست

(مزدك مردمان را از مخالفت و کین و قتل باز میداشت)

گریستن سن

گریستن سن میگوید : در شریعت مزدکیها نه تنها قتل ، بلکه اضرار بغیر هم ممنوع بود . البته مقصود مزدکیها از اصرار بغیر و قتل هر ضرر و هر جنگی نیست بلکه طبق مدارک تاریخی مزدك فقط با جنگ های غیر عادلانه مخالفت میکرد و دشمنی ملل را مذموم میشمرد . مثال تاریخی زیر نظر ما را تأیید میکند

فردوسی و طبری می نویسند که در زمان قباد قحط سالی بروز کرد مزدك پیش قباد رفت و در باره محتکرین با وی سخن گفت و مردم را بغارت انبارها تحریک کرد . روی این اصل ، یعنی سر چشمه گرفتن نظریه مزدکیزم از مردم نفوذ مزدك بین مردم بقدری زیاد شد که حتی قباد شاه آن زمان نیز مجبور شد با اشاره مزدك برای رفع قحطی اصلاحاتی بنفع ناتوانان و رعایا بکند و **صلحی بمدت ۷ سال با قیصر روم منعقد سازد** . نویسندگان عرب میگویند «این پادشاه از ریختن خون بیم داشت»

ما میدانیم که قباد بیشتر از سالهای سلطنت خود را در جنگ

عالی و با کمال مهارت نقاشی میکند . نوشته هایش بسیار غنی است . از رکود و جمود بیزار است . در نوشته های او ترك فراوان دیده میشود و با وجود این ترك هوس آلود ، هرگز درستی اصالت خود را از دست نمی دهد . سبك نگارش ژرژسان اسلوب سحر آمیز است که هیچ چیز برای آن بیگانه نیست . تمام مطالب را با دقت و لطافتی که خاص خود اوست بیان میکند و خواننده را از این سهل متنع نویسی متحیر می سازد .

ژرژسان در سال ۱۸۰۴ بدنیآمد و سال ۱۷۷۶ ، یعنی شش سال پس از شکست فرانسه از آلمان . درگذشت .

گذرانیده و بارها با دشور روم مصاف داده بود پس چگونه چنین پادشاهی
میتوانست از جنگ بیم داشته باشد یا از خون بترسد؟ این نبوده جز اینکه
از ترس مردم و بخصوص از ترس نفوذ مزدکیزم که با هر گونه جنگ
غیر عادلانه‌ای مخالفت میکرده و دوستی ملل را طالب بوده است بخون
ریزی دست نمیزد، و در اثر همین مخالفت های مزدکیها با جنگ بود
که حارت بن عمرو از قبیله کنده توانست منذر ثالث پادشاه حیره را
منهزم کند و شکستی بزرگ نصیب ایران بسازد بدین طریق می بینیم
نهضت صلح طلبی مردم آن عصر که در رأس آنان مزدکیها قرار داشتند
عکس العمل جنگهایی بود که پادشاه آن زمان قباد میخواست به مردم
تحویل کند. مزدکیها صلح دوستی را فقط منحصر بایران نکرده بلکه
صلح را برای جهان آنروز نیز طالب بودند و نمیخواستند که قتل و
عام مردم شهر آمیدا تکرار شود. مزدکیها میگفتند: حتی نسبت
بدشمنان هم بایستی با مهربانی و عطوفت رفتار کرد البته اینجامقصود
از دشمنان خصم های واقعی مردم نیستند چه مزدکیزم با آنها جنگی
آشتی ناپذیر دارد بلکه مقصود اسرائیلی بودند که قباد در جنگ با روم
بهمراه میآورد.

سرانجام در اثر این طرز تفکر و بشردوستی مزدکیها بود که
قباد مجبور شد تمام اسرائیلی را که پس از قتل و عام مردم شهر «آمیدا»
و جنگ با روم با خود آورده بود با وطن خودشان عودت دهد. اما
همانطوریکه از نظریه فلسفی مزدکیزم پیداست، مزدکیها جنگ
بین تیرکی و روشنائی و نور و ظلمت را هنوز ناساتمام میدانستند و
معتقد بودند:

هر چند نور بر تاریکی غلبه کرده است مع هذا بفتح
قطعی نایل نشده و وقتی فاتح خواهد شد که قسمت
کوچک نور هم که با ظلمت در آمیخته است از آن جدا
بشود و بکلی پاکیزه گردد.

این عقیده مزدکیها تقریباً شعار امروز ماست و با وضع امروز
ما مطابقت میکند در شرایط فعلی جهانی نیز صلح بر جنگ و نور بر
ظلمت غلبه دارد ولی هنوز بفتح نهائی نرسیده است گرچه صلح و نور

مرده‌ها می‌جنبند

- اینا کی بودن ؟ — نه ، داره خودش میاد .
 کلفت خانه بلکنت افتاد . نورعلی دوان دوان در حالیکه
 ارباب مثل سگ هاری دهنش کف دستهارا با پیش بندش خشک میکرد
 کرده بود ... پیش آمد .
 — چی ... ؟ — این جوونها کی بودن ؟
 — چه میدونم . — کدوما ؟
 — پس کدوم خری میدونه ، — اینا که الان از تو خونه
 از کی باس بیرسم که اینا توخونه اومدن بیرون .
 من چیکار میکردن — از تو خونه کسی بیرون
 — اوا ، توخونه که نبودن نرفته ،
 که ... — باز خودتو زدی بخریت ؟
 — نورعلی ، آهای ، این کره نورعلی نیشش باز شد . انگشت
 خر کجاس ؟ سایه اش را بسوراخ گوشش فرو
 کلفت جوان که فرصت خوبی برده گفت :
 برای گریز یافته بود با شتاب — این دوتا جوونها که کاغذ
 گفت : دستشون بود ؟ اینا که تو خونه
 — بگم بیاد ... ؟ کموتلم توجع علوه قبولدن .
 آشپزخونس ... کلفت که هنوز در آنجا بود

بر قسمت بزرگی از سرزمینهای آزاد پرتو افکنده است ایکن در کره
 ویشنام مالزی امریکا و انگلستان و ... نور با ظلمت در پیکار
 است . اما همچنانکه مزدک در پیروزی نور بر ظلمت شک
 نداشت ما هم غلبه صلح را بر جنگ تردید ناپذیر
 می‌شماریم .